

Recognizing, Explaining Ayatollah Khamenei's Interpretive Presuppositions in Achieving Social Justice

Zohre Daneshi Kohan *

4th level graduate of Rafia Al-Mustafa Seminary, Tebran, comparative interpretation field

Abstract

Islam's motto is the implementation of justice in society. One of the goals of all prophets has been the realization of justice. Justice, as one of the pillars of faith, is defined as the middle ground and the middle of everything, so that everything is in its place and does not suffer from excess and moderation. The line of Islam is the middle ground, neither having the excesses and rigors of the church, nor accepting the licentiousness of Western societies, but rather the main pillar of the call to Islam is justice. In order to implement justice, it is necessary to recognize the prerequisites for its realization. Ayatollah Khamenei, the leader of the Islamic world and a political activist of the present era, has paid attention to this important matter in his social thoughts in the interpretation of verses about social justice. This paper, using an analytical-descriptive method, has found several prerequisites in three areas:

A- The position of social justice.

B- The conditions for the realization of social justice.

C- The goals and ideals of achieving social justice.

The findings of this research highlight the superiority of justice in social relations over individual justice in the view of Ayatollah Khamenei, the realization of which leads to the invitation of the nations of the world to Islam, and justice in defending the oppressed with the power of Muslims in the international arena and government officials' Taqwa (God-fearing). Also, enjoying Tayyebah life, negating discrimination, defeating focal centers of oppression, benefiting different talents from the benefits of society and preventing crime are the results of examining the interpretive thoughts of Ayatollah Khamenei

Keywords: Social justice, interpretive approach, sociology, social thought, Ayatollah Khamenei.

* Email: z.daneshe@chmail.ir (Corresponding Author)

بازشناسی و تبیین پیش‌انگاره‌های تفسیری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحقق عدالت اجتماعی

زهرة دانشی‌کهن* | دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه رفیعه المصطفی تهران، رشته تفسیر تطبیقی

چکیده

شعار اسلام اجرای عدالت در جامعه است. از آرمان‌ها و اهداف انبیاء الهی تحقق عدالت بوده است. عدل به‌عنوان یکی از پایه‌های ایمان، به حدّ وسط و میانه هر چیز گفته می‌شود، به‌گونه‌ای که هر چیز در جای خود قرار گیرد و دچار افراط و تفریط نگردد. خطّ اسلام، حدّ متوسط است، نه افراط و سخت‌گیری‌های کلیسایی را دارد و نه ولنگاری‌های جوامع غربی را می‌پذیرد، بلکه رکن اصلی دعوت به اسلام، عدالت می‌باشد. برای اجرای عدالت، نیاز است، پیش‌انگاره‌های تحقق آن، بازشناسی شود. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جهان اسلام و فعال سیاسی عصر حاضر در اندیشه‌های اجتماعی خویش در تفسیر آیات پیرامون عدالت اجتماعی به این مهم اهتمام ورزیده است. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی در سه عرصه، به چند پیش‌انگاره دست یافت.

الف - جایگاه عدالت اجتماعی. ب - شروط تحقق عدالت اجتماعی. ج - اهداف و آرمان‌های تحقق عدالت اجتماعی.

یافته‌های پژوهش حاضر، برتری عدالت در مناسبات اجتماعی نسبت به عدالت فردی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است که تحقق آن سبب دعوت ملت‌های جهان به اسلام می‌شود و عدالت در دفاع از مظلوم با اقتدار مسلمانان در صحنه بین‌المللی و خداترسی کارگزاران حکومتی به‌دست می‌آید. همچنین هدف رسیدن به حیات طیّبه، نفی تبعیض، شکست دادن کانون‌های ستمگری، برخورداری استعداد‌های مختلف از مزایای جامعه و پیشگیری از جرم از نتایج بررسی اندیشه‌های تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای است.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، رویکرد تفسیری، جامعه‌شناسی، اندیشه اجتماعی، آیت‌الله خامنه‌ای.

مقدمه

اندیشه و تفکر اجتماعی در تفسیر قرآن، یکی از گرایش‌های تأثیرگذار بر تفاسیر معاصر است. در دوران حاضر، تحولات گسترده‌ای در عرصه سیاسی- اجتماعی در جوامع مسلمان رخ داده که گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن کریم، یکی از آثار این تحولات می‌باشد.

این نوع گرایش مفسر را وامی‌دارد تا واقعیت را نه به‌طور خنثی، بلکه به‌صورت فعالانه مورد کاوش قرار دهد و مهم‌ترین ویژگی آن کاربردی کردن آموزه‌های قرآن کریم در اجتماع و ارتقای این تعالیم از فردگرایی به جمع‌اندیشی و تحلیل مسیر کمال و سرنوشت جامعه مسلمان است.

در این پژوهش به‌میزان تأثیرگذاری اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای بر تفسیر ایشان، تحلیل و ارزیابی می‌شود و اینکه ایشان تا چه میزان در مسائل متعدد اجتماعی ورود پیدا کرده و اندیشه اجتماعی خود را به تفسیر مستند کرده‌اند. اندیشه‌های اجتماعی با تنوع و رشد آن در جامعه اسلامی، امروز در جهت پاسخ‌گویی به مباحث روز و شناخت معضلات و نیازهای جامعه، چه گام‌هایی را برداشته و در پیشرفت تدریجی تفاسیر اجتماعی قرآن چه اثراتی داشته است.

هرچند که آیت‌الله خامنه‌ای کتاب تفسیری مدونی ندارند، ولی فعالیت تفسیری‌شان را از زمان بازگشت از قم به مشهد در سال ۱۳۴۳ آغاز کردند. ایشان علاوه بر تدریس فقه و اصول، به برگزاری درس تفسیر پرداختند و همچنین در ابتدای جلسات دروس خارج، بیانات تفسیری دارند و مفاهیم اجتماعی را با توجه به مجموعه‌ای از مبانی تفسیر اجتماعی از قرآن کریم استخراج کرده و توضیح می‌دهند. ایشان معتقد است که بالا رفتن سطح فکر و اندیشه بشر موجب می‌شود که همواره تبیینی جدید از قرآن ارائه گردد که ژرفا و عمق آن را افزون‌تر می‌سازد.

حیطه علمی تبیین پیش‌فرض‌ها و پیش‌انگاره‌های اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای در علم تفسیر و جامعه‌شناسی است و این مقاله پژوهشی، درصدد است به این مسأله بپردازد: اندیشه‌های اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر قرآن و در بیانات و مکتوبات تفسیری ایشان در یافتن انگاره‌های تحقق عدالت اجتماعی چگونه بازشناسی و تبیین می‌گردد؟ تا چه میزان اندیشه‌های اجتماعی ایشان بر تفسیر اجتماعی ایشان تأثیرگذار بوده و پاسخ‌گوی نیاز جامعه معاصر بوده است؟ اندیشه‌های اجتماعی ایشان با دیگر تفاسیر اجتماعی چه تفاوت و ممیزاتی دارد؟ مستندات تفسیر اجتماعی ایشان در موضوع عدالت اجتماعی چیست و چگونه تحلیل می‌شود؟

بعد از کنکاش درباره پیشینه موضوع مقاله حاضر، کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان یافت نشد و دست‌آوردهای علمی مشابه با نگاه دیگری به این موضوع پرداخته‌اند. از جمله:

- جایگاه عدالت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و الگوی لیبرالی توسعه با تأکید بر آراء آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته مسعود جعفری‌نژاد، به مقایسه دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و لیبرال در میدان پیشرفت جامعه پرداخته است و با دیدگاه اجتماعی در رویکرد تفسیری ایشان متفاوت است و ما در این مقاله به برتری نگاه اجتماعی بر نگاه فردی به مقوله عدالت پرداخته‌ایم و این نظریه را با مستندات قرآنی و روایی استخراج کرده‌ایم.

- نسبت عدالت و امنیت و ارائه الگوی ارتقاء امنیت ملی براساس آراء و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته سیامک ره‌پیک. ایشان موضوع اصلی‌شان، مبحث امنیت ملی است و عدالت در مقایسه با آن بررسی شده و با موضوع مقاله حاضر که پیش‌انگاره‌های تحقق عدالت را بررسی می‌کند، متفاوت می‌باشد و تخصصی‌تر به آن پرداخته شده است.

اکنون به مفهوم‌یابی واژگان اصلی تحقق عدالت اجتماعی را بیان می‌کنیم. پیش‌انگاره‌های تحقق عدالت اجتماعی را بیان می‌کنیم.

۱. مفاهیم نظری

الف- اندیشه: در معنا‌یابی واژه «اندیشه»، کلمات مترادف آن همچون «تدبّر» و «تفکّر» - که معنایشان نزدیک به معنای اندیشه است - بررسی می‌شود.

اندیشه در اصطلاح منطق، آن چیزی است که تصوّر یا تصدیق‌اش به خاطر می‌آید و شخص پیش از اندیشه، دانسته‌هایی دارد که با اندیشیدن به کشف مجهولات می‌پردازد (خوانساری، ۱۳۷۶: ۳۲). تفکّر در اصطلاح فلسفه، همان فکر و اندیشه کردن است. تصرّفات قلبی در معانی اشیاء به‌منظور درک مطلوب نیز می‌باشد. در اصطلاح عرفانی، اندیشه، نتیجه تدکّر و فکر کردن درباره خداوند با توجه در آثار و صنّع اوست (سجّادی، ۱۳۷۳: ۵۶۶/۱). با این اندیشه به معرفت افزوده می‌شود و با یاد نعمت‌های خداوند و یاد وعده‌های او در انسان شوق و اشتیاق و با یاد وعیدهای او، ترس از مخالفت شکل می‌گیرد (سجّادی، ۱۳۷۳: ۱۴۳۴/۳).

در عُرّف فلاسفه به کسی عاقل می‌گویند که دارای نیروی اندیشیدن باشد. در علم اخلاق، عاقل کسی است که در عمل کارهای پسندیده انجام دهد، ولی در فلسفه عاقل به جنبه علم افراد گفته می‌شود، نه عمل آن‌ها (سجّادی، ۱۳۷۹: ۳۹۷).

دین اسلام اندیشه مفید و روش‌مند را می‌پسندد، زیرا انسان را به شناخت و معرفت حیات معقول و مخصوص خود راه می‌نماید (خطیبی‌کوشک، ۱۳۸۶: ۳۹۵).

«فکره» قوه‌ای پویا برای دانستن معلوم است. تفکر، کوشش آن قوه به اقتضای عقل است. تفکر درباره چیزی به کار می‌رود که امکان تصوّر قلبی داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۳) و آنچه از معانی که در دل خطور کند (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۶۹).

در ترجمه «فکر فیه» آمده: در آن امر اندیشه کرد و «الفکره» به معنای به کار بستن اندیشه، مترادف آن است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۱۳). تفکر به معنای تأمل نیز آمده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۷۸۳). در تفاوت «تدبّر» و «تفکر» گفته‌اند: تدبّر، تصرّف قلبی با نظر کردن در عواقب کار است، ولی تفکر، تصرّف قلب با دقت نظر در دلایل می‌باشد (مدنی، ۱۳۸۴: ۴۱۶/۷).

به عبارت دیگر، فکر همان تدبّر و اعمال نظر برای دست‌یابی به واقعیت‌ها و عبرت‌ها است. قرآن کریم به تدبّر و تفکر بسیار اهمیت داده و برخی آیات برای اندیشیدن نازل شده است. مانند: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا» (آل عمران، ۱۹۱). «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد، ۳). «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَّاسٍ لِّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱). (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۹۹/۵).

ب- اجتماع: «اجتماع» ضدّ افتراق و پراکندگی است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱۴/۴؛ حسین یوسف، ۱۴۱۰: ۳۱۳/۱).

وقتی سه نفر و بیش‌تر دور هم جمع شوند، می‌گویند: آنان «اجتماع» کردند. وقتی مردم از مکان‌های مختلف بیایند و جمع گردند، «اجتماع» گویند (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۴۰). به نماز جمعه نیز جمعه می‌گویند، زیرا مردم برای نماز در آن اجتماع می‌کنند (ابن درید، ۱۹۸۸: ۴۸۳/۱).

به سفره یا میز غذا «ابوجامع» گویند. «اجتماع» به معنای گردهم آمدن است (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۵). در فرق بین «اجماع» و «اجتماع» گفته‌اند: وقتی آراء و نظرات افراد جمع شود، درحالی‌که بدن‌هایشان متفرّق است، می‌گویند: آن‌ها با هم اجماع کرده‌اند. ولی «اجتماع» هنگامی است که بدن‌ها دور هم جمع گردد، اگرچه با هم، هم‌نظر نباشند و آراء پراکنده‌ای داشته باشند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۷۰/۴).

همچنین در تفاوت بین واژگان «جمع» و «تألیف» آمده: تألیف در اجسام به کار می‌رود و جمع در اجسام و اعراض هر دو کاربرد دارد.

عرض‌ها می‌توانند در جسمی جمع شوند. در قرآن از باب استعاره تألیف را به قلوب نسبت داده است، زیرا قلب جسم است «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (انفال، ۶۳). جمع بین هوای نفسانی و امیال به کار رفته، ولی تألیف به کار نرفته، زیرا از اعراض است. پس برای موافقت افراد در نظری الفت

استفاده می‌شود، ولی صرف جمع شدن افراد به معنای موافقت با هم و هم‌فکری نیست (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۳۷).

ج- تفسیر اجتماعی: تفسیر اجتماعی یکی از گرایش‌های علوم اجتماعی و تفسیر می‌باشد. از جامعه‌شناسی با عناوین مختلفی تعبیر شده است:

«مذهب اجتماعی»، این گرایش جامعه‌شناسی است که تمام پدیده‌های اخلاقی، تاریخی، تحولات ادبی، هنری، زبانی، سیاست، اقتصاد، قانون‌گذاری و حکمرانی را به علل اجتماعی نسبت می‌دهد و علم جامعه‌شناسی را علمی حاکم بر علوم دیگر می‌داند (مدنی، ۱۳۸۴: ۴۱۶/۷).

«علم الاجتماع» به علم جامعه‌شناسی گویند که همان علم شناخت جوامع بشری است. واژه «اجتماعی» آن چیزی است که ویژه جامعه می‌باشد و انسان بالفطره علاقمند به زندگی اجتماعی است. «هیأت اجتماعی» به کیفیت حالت اجتماعی مردمی اشاره دارد که با هم مصالح مشترکی دارند. «مساوات اجتماعی» سخن از قانونی است که برای همه افراد یک کشور مساوی و حقوق برابری دارند. «اجتماع» و «اجتماع» وقتی به کار می‌رود که مردم جامعه گرد هم آیند (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۵).

تفسیر اجتماعی عبارت است از نگرش مفسر قرآن به فراز و نشیب، دگرگونی زندگی انسان و همچنین رخدادهای اجتماع و... که این‌ها را مورد ارزیابی قرار داده و به‌وسیله آموزه‌های قرآنی، راه‌حل ارائه دهد. بنابراین در تعریف تفسیر اجتماعی می‌توان گفت: تفسیر اجتماعی تفسیر قرآن کریم، متناسب با شرایط اجتماعی جامعه و هدف‌های تربیتی. اصلاح امور جامعه است (ایازی، ۱۳۸۸: ۲۸۰).

دو معنی برای اصطلاح تفسیر اجتماعی متصور است:

- تفسیر همان تلاش مفسر در احوال بشر در دوران‌ها و ادوار مختلف زندگی اوست که در احوال مختلف آنان اعم از: قوه، ضعف، عزت، ذلت، جهل، ایمان و کفر مطالعه می‌کند. بعد از آن هدایت مردم و اصلاح حال آنان یا تشریح را بیان می‌نماید، سپس به علم اجتماع و تاریخ میل پیدا می‌کند.

- تفسیر اجتماعی به معنی خضوع برای مفهوم اجتماعی و برای نیازهای عصری. مفسر در این روش بین هدف دینی و هدف اجتماعی ممازجت و ارتباط برقرار می‌کند. به عبارت دیگر در این روش بر تطبیق نظرات اجتماعی قرآنی برای برپایی حیات اجتماعی بشری تکیه شده و در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به کار گرفته می‌شود. با ملاحظه تطبیق این نظریه از حیطه‌های فردی، به حیطه‌ای اجتماعی که آن فرد با رفتار و تصرّفات‌اش در جامعه شکل می‌دهد. آنچه برای مفسر اجتماعی مهم است، برقراری ارتباط بین دین اسلام و قضایای انسانی عصر معاصر

می‌باشد. تا ارزش‌های قرآنی را به اجتماع عرضه کند و اصلاح عقیده را برای جامعه بشری به ارمغان آورد و جامعه از ارزش‌های قرآنی برای رفع نیازهایش برخوردار شود (ایازی، ۱۳۷۳: ۵۳). حرکت اصلاحی در تفسیر اجتماعی گاهی از مسائلی مانند: جهل به احکام اسلام و مفاهیم آن، اوضاع فکری و اجتماعی مردم و گرفتاری در عادات و رسوم ناشی می‌شود و این‌ها در عالم اسلام، سبب قیام برای حرکات اصلاحی متعدد شده است که اثرات مهمی در حیات مسلمانان می‌گذارد (الصباغ، ۱۴۱۰: ۳۰۸).

د- **تعقل در آیات اجتماعی:** در تعدادی از آیات قرآن به تفکر و تعقل در امور اجتماعی اشاره شده است. از جمله آن‌ها تفکر در احوال اقوام گذشته به منظور عبرت‌گیری از آنان می‌باشد. برای مثال در آیه «وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (عنکبوت، ۳۵). سخن از به‌جای ماندن آثار قریه‌های هلاک شده است. علامتی روشن از این قریه‌ها خداوند باقی گذاشت تا مردم عبرت بگیرند و در آن تعقل کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۲۶).

همچنین در آیه کریمه «وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ وَ بِاللَّيْلِ أَفْلا تَعْقِلُونَ» (صافات، ۱۳۷-۱۳۸). با تلنگری عبرت‌آمیز، هنگام عبور از خرابه‌های قوم لوط مردم را به تفکر دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲/۱۷).

بنابراین لازم است که مفسر قرآن با دقت در آیات، به امور اجتماعی اهتمام ورزد و آن‌ها را استخراج کند.

ه- **عدالت اجتماعی:** عدالت اجتماعی از اصطلاحات علوم اجتماعی و سیاسی است. همیشه و در همه اعصار آرزوی بشریت بوده است و به معنای رعایت تناسب، شایستگی‌ها و استحقاق‌ها در ساحت اجتماع می‌باشد. در این تعریف، لازم است که هر گروه، صنف و طبقه‌ای، در جایگاه شایسته خویش قرار گیرد و به دنبال جایگاه دیگران برنیاید. پس عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و رفتار اعضای جامعه است و جایگاه هرکس در جامعه بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می‌شود (فرهنگ واژه‌ها، ۳۷۶).

جان راولز فیلسوف آمریکایی (۱۹۷۶-۱۹۲۱) نظریه‌ای با نام عدالت اجتماعی دارد که ضمن آن معتقد است عدالت یک مفهوم فرادینی می‌باشد که از آموزه‌های دینی برداشت نمی‌شود و اصول بنیادین آن در سطح جامعه وجود دارد (راولز، ۱۳۸۳: ۶۷).

شهید مطهری برخلاف سیدقطب که عدالت را امری درون‌دینی می‌داند، مفهوم عدالت را فرادینی مطرح کرده و می‌نویسد: آنچه دین گفته عدل نیست، بلکه آنچه عدل می‌باشد را دین گفته است (مطهری، ۱۴۲۰: ۱۴).

۲. عدالت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

اکنون عدالت اجتماعی را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای واکاوی کرده و مفهوم‌شناسی عدالت و تفاوت‌ها و برتری با واژگان همسو بیان می‌شود.

الف- تعریف عدالت: در همه زمینه‌ها عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود نهادن (نهج البلاغه صبحی صالح، ۵۵۳/۱، کلمات قصار: ۴۳۷) (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹). یکی از پایه‌های ایمان عدل است (نهج البلاغه، کلمات قصار: ۳۱)². عدل یعنی میانه‌روی و آیت‌الله خامنه‌ای در تجزیه مفهومی آن به موارد ذیل اشاره دارد:

- اعتدال هم از همین واژه است.
- عدل یعنی در جای خود قرار گرفتن بدون افراط و تفریط و بدون چپ روی و راست روی.
- وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید.
- در رفتار انسان و برای حکمرانان و در موضع گیری‌ها، عدل لازم است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۸/۲۰).

در تحلیل این مسأله می‌توان گفت؛ عدل در جمع و جامعه مفهوم می‌یابد و همین نگاه در این تجزیه مفهومی از دیدگاه ایشان مشهود است: دوری از افراط و تفریط‌ها در اجتماع، رفتار حکمرانان در موضع‌گیری‌های اجتماعی و تعادل و اعتدال در طبیعت.

امری که وسط افراط و تفریط قرار می‌گیرد، عدل است (مجددی برکتی، ۲۰۰۹: ۱۴۴). یعنی افراط به جهت زیادی و نقصان ندارد. از آن جمله است، گفتار خدای تعالی «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره، ۱۴۳) یعنی عدل. پس «وسط» و «عدل» به یک معنی می‌باشد و گاهی معنای مقابل جور و ستم را داراست (عجم، ۱۹۹۸: ۹۲۷/۱).

ب- تفاوت عدل و قسط: آنگاه که گروهی از افراد در چیزی مشارکت کنند و هر کدام به‌طور کامل از نصیب و بهره خود برخوردار شوند، به این عمل «قسط» گویند، ولی «عدالت» مفهوم گسترده‌تری دارد. هم در موارد مشارکت گروهی و هم در غیر از آن، به‌طور انفرادی کاربرد دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۳۱/۱۰).

هدف از حیات اجتماعی، همان برپایی عدالت اجتماعی است «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). کلمه «قسط» و «عدل» با یکدیگر متفاوت‌اند. عدل معنایی عمومی در زندگی

شخصی و اجتماعی دارد، عدل موازنه‌ای صحیح و معتدل است که به سمت عیب نرود و از حد خارج نگردد. ولی قسط همان عدل در مناسبات اجتماعی می‌باشد. قسط یعنی اینکه عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید. اگرچه انبیاء حرکت کلی‌شان به سمت عدالت به معنای کلی است - « بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ » (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱۰۳/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۵؛ ریاض السالکین، کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۵۸۸)؛ آسمان‌ها هم با همان اعتدال، عدالت و میزان سر پا هستند - اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسأله است و تشنه آن می‌باشد و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۱/۱).

آری دوری از ظلم و تجاوز ستمگران و کوتاهی دست مزدوران از ستم به مستضعفان جهان و برقراری عدالت اجتماعی و گسترش آن، از آرمان‌های دین مبین اسلام و تمدن اسلامی است که آیت‌الله خامنه‌ای جهان را تشنه آن می‌داند و در ضمن کلمه «قسط» به این مفهوم اجتماعی اشاره دارد.

ج- عدالت، رکن اصلی دعوت به اسلام: آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیه «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» (انعام، ۱۱۵)، «صداقت و عدالت» را دو رکن اصلی دعوت به اسلام معرفی می‌کند. اگر مسلمان‌ها این دو را در جهان در رفتارشان نشان دهند، دل‌ها را متوجه اسلام کرده و پیام اسلام را به دل‌ها خواهند رساند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۳/۱۷).

مراد از کلمه پروردگار «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ»، همان قرآن کریم است که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده و آنچه سبب سعادت بشریت می‌باشد در آن آمده است. در گزارش اخبار امت‌های گذشته صادق است و در احکام و تشریحات‌اش عادل می‌باشد (کرمی، ۱۴۰۲: ۲۱۰/۳).

توجه به اخلاق الهی و معنویت در عین حال پرداختن به نیازهای بشری در اسلام آمده است. البته حدّ متوسط آن، نه افراط و سخت‌گیری‌های کلیسایی و نه ولنگاری‌های جوامع غربی است که هر دو اشتباه است. خط اسلام، خط میانه، خط عدالت و خط متوسط انسانی می‌باشد «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره، ۱۴۳) (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹).

سخت‌گیری‌های کلیسایی در علم‌آموزی و تجرد افراد و ولنگاری‌های جوامع غربی در نابودی کانون خانواده و قطع نسل بشری و شکستن عقود شرعی در روابط انسانی و ساخت بمب اتم و افراط علمی، همه این‌ها مواردی است که از خروج خط عدالت که مفهومی قابل فهم و عقلی برای تمام بشریت است، وجود دارد.

د- برتری اقامه عدل به تأمین اقتصاد و امنیت: از آنجاکه برپایی عدل، یکی از اصلی‌ترین امور مربوط به زندگی است «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) و برای اداره زندگی در قرآن و حدیث بدان توجه شده، باید دانست که تأمین امنیت و رفاه زندگی مردم، یکی از لوازم زندگی آن‌هاست، ولی

روی مسأله عدل تکیه ویژه شده است، زیرا اجرای همه امور، بر قیام عدل است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۶/۲۰).

۳. شروط تحقق عدالت اجتماعی

برای تحقق بخشیدن به گستره عدالت در اجتماع، صرف خوب دانستن مفهوم «عدل» کفایت نمی‌کند و باید برای آن انبیاء، صالحان، حکمرانان و دستگاه قضایی و هر انسان بشردوستی به پا خیزد و اقدام نماید و این شرط اصلی تحقق عدالت اجتماعی است.

الف- مرد میدان بودن انبیاء: پیامبران الهی برای از بین بردن فاصله طبقاتی و اجرای عدالت، عملاً وارد میدان می‌شدند و پیکار می‌کردند. آیت‌الله خامنه‌ای برای اجرای عدالت، در مقام عمل وارد میدان شدن را از ویژگی‌های انبیاء به‌شمار آورده است. ایشان مستند قرآنی نظریه خود را این‌گونه ارائه می‌کند.

- مقابله با «مترفین» و «ملاء»: در قرآن تصریح شده که انبیاء با طواغیت و مترفین مواجه شده‌اند که همه این‌ها جزو طبقات ستم‌گرددند. کلمه «مترف» و «مترف» از دو جهت منطبق بر یک طبقه خاصی است. هر دو درست می‌باشد، ولی در قرآن فقط «مترفین» آمده است. «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ، ۳۴). هیچ پیغمبری نبوده که در مقابل اش مترفین قرار نگیرند. «ملاء» نیز از قدرتمندان بوده‌اند. «طاغوت» نیز معنای عامی دارد که شامل همه این‌ها می‌شود. بنابراین پیامبران در معارضه بین ظالم و مظلوم، همیشه در طرف مظلوم قرار گرفته و برای عدالت وارد میدان جنگ شده‌اند. در حالی که حکما درباره عدالت حرف زده‌اند، اما مانند بسیاری از روشنفکران حرف‌هایی می‌زنند، ولی در مقام عمل وارد میدان نمی‌شوند. انبیاء این‌گونه نبودند.

- دفاع از مظلومان: زمانی که مترفان اعتراض می‌نمودند که چرا شما طرفدار طبقات مظلوم هستید، پیامبران با آن‌ها برخورد می‌کردند. آیه شریفه «وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤَيَّتَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا» (هود، ۳۱) که بیانگر پاسخ حضرت نوح به مخالفان است، در همین زمینه می‌باشد. بنابراین آن کسانی که از عدالت محروم بودند، نخستین گروندگان به پیغمبران هم هستند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

نوح علیه‌السلام به اشراف قوم خود می‌فرمود: ضعیفان و زیردستان که با حقارت و خواری به ایشان می‌نگرید، آن‌ها را خدمت‌گزار خود می‌دانید، خلقت آن‌ها را برای آسایش اشراف و بزرگان می‌پندارید و وجود آنان را طفیلی نسبت به طبقه اشراف و جزء ضمنی اجتماع می‌دانید. پروردگار در این جهان

به آن‌ها توفیق هر خیر و سعادت را داده و در آخرت نیز از فضل خود نعمت‌های زیادی نصیب آنان خواهد کرد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۸۸/۸).

ب- لزوم رعایت انصاف و عدالت با دشمنان: آیت‌الله خامنه‌ای بعد از دعوت به اتحاد و دوری از اختلاف‌افکنی و تهمت زدن، از همه می‌خواهد با انصاف عمل کنند و با انصاف صحبت نمایند. سپس به این آیه قرآن استناد می‌کند «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مانده، ۸). اگر با کسی دشمن هستید، این دشمنی سبب نشود با بی‌عدالتی و بی‌انصافی رفتار کنید. همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع شوید و به اصول آن پایبند باشید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۵/۳).

خدای متعال مؤمنان را اندرز می‌دهد که مبادا دشمنی شما با مشرکان مگه سبب شود که در مقام انتقام‌جویی برآئید و برخلاف عدالت با آنان رفتار کنید (امین: ۲۷۳/۴).

غزالی با پذیرش نظر افلاطون درباره عدالت، آن را نقطه مقابل جور دانسته و عدالت را حالت و قوه‌ای می‌داند که شهوت و غضب در آن بر مقتضای حکمت، اجازه حرکت دارند (غزالی، ۱۴۱۲: ۴۷/۳). بنابراین عدالت همراه با انصاف و براساس عقل و حکمت باید اجرا شود.

ج- وجود افراد خداترس، ضامن اجرای عدالت: آیت‌الله خامنه‌ای مفهوم عدالت را به خصوصیات فردی و اخلاقی افراد زیر مجموعه دستگاه‌های حکومتی توسعه داده و بیان می‌نماید، چنانچه زیرساخت‌های عدالت فراهم شود، این برای استقرار عدالت کفایت نمی‌کند.

آنچه ضامن عدالت است، وجود انسان‌های معتقد، جازم، با عزم و اراده و خداترس در دستگاه‌های متنوع حکومتی است. قرآن کریم می‌فرماید: از خدا بترسید و از غیر خدا نترسید «فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوُا اللَّهَ» (مانده، ۴۴). اگر در این اراده، سستی و اختلال ایجاد شد، هیچ‌کدام از این دستگاه‌ها به خودی خود عدالت را تأمین نخواهد کرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۴/۷). پس مستند قرآنی ایشان، نترسیدن از مردم در مواقعی است که برای زیرپا گذاشتن عدل به مسئولان فشار وارد می‌کنند و اگر افراد مؤمن و باتقوا در بدنه نظام روی کار باشند، خدا را مدنظر می‌گیرند و با عزم و اراده قوی در جهت تحقیق عدالت کوشش می‌نمایند.

نباید حکام در اداره حکومت از مردم بترسند «فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ»، بلکه از خدا بترسند «و اخشون» و حق را کتمان نکنند (شبر، ۱۲۴۲: ۱۷۸/۲).

د- اقتدار صالحان، شرط تحقق عدالت: آیت‌الله خامنه‌ای عدالت در وسعت عدالت جهانی را مطرح می‌کند و بحث را به حُسن فاعلی توسعه می‌دهد. ایشان بیان می‌نماید؛ عدالت جهانی که با آمدن حضرت مهدی (عج) که در انتظار آن هستیم، با موعظه کردن ملت‌ها به دست نمی‌آید و با

نصیحت ظالمان و سلطه‌گران نیز حاصل نمی‌شود. بلکه استقرار عدالت جهانی، نیاز به این دارد که همه بخش‌های دنیا را مردمان عادل، انسان‌های عدالت‌طلب، صالح و قدرتمند در دست گیرند و با زبان قدرت و اقتدار، با زورگویان صحبت کنند و برای نظریه «اقتدار صالحان»، مستندات قرآنی ذیل را به کار برده‌اند:

پیامبران در آغاز دعوت با زبان نصیحت می‌کردند، ولی بعد از آنکه طرفدارانی را گرد می‌آوردند و تجهیز می‌نمودند، آنگاه با دشمنان توحید و بشریت، با زبان قدرت سخن می‌گفتند.

– آنجا که می‌فرماید خداوند پیامبران را برای استقرار عدالت در جامعه فرستاد «لِيُقِيمَ

النَّاسَ بِالْقِسْطِ»

– سپس می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (حدید، ۲۵).

یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن می‌گفتند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح است و با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضه و مبارزه کردند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

سپس آیت‌الله خامنه‌ای این موضوع را با جامعه امروز تطبیق می‌دهند. از روزی که نظام اسلامی شکل گرفت و مجهز به ملّتی بزرگ و امکانات یک کشور و دولت شد، دشمنان حرکت اسلام را جدّی گرفتند و طرفداران اسلام در اطراف و اکناف جهان امیدوار شدند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

هـ – تقوا، دوری از انگیزه تفرقه‌انگیز: یکی از هدایای نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به بشریت، دعوت به نقطه برجسته توحید و عدل بود. آیت‌الله خامنه‌ای دو ویژگی و دو برکت را برای آن نام می‌برد: نخست: عمومیت آن برای همه بشریت و هر کسی که بتواند از آن استفاده کند و دوم: مخصوص به زمان خاصی نیست.

امروز جهان نیازمند برگشت به سوی توحید خالص و دستور عدل اسلامی و نسخه‌ای می‌باشد که قرآن برای عدالت عرضه کرده است، می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳). دعوت به تقوا و پرهیزکاری و دور ریختن انگیزه‌های تفرقه‌برانگیز بین بشریت؛ مانند: قومیت، تفاوت در نژاد، خون و رنگ و... (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۶/۲۴).

هرچند آیت‌الله خامنه‌ای مستند خود را ذکر کرده‌اند، اما باید بدانیم که نتیجه تقوای جهانی که همان تفاوت نگذاشتن بین قومیت‌ها و نژاد انسانی می‌باشد، از سیاق آیه مذکور استفاده شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ».

خداوند نسب‌های مردم را متفرق نموده تا از یکدیگر شناخته شوند، نه اینکه تفاخر کنند. نسب، قوم و خویش یکدیگر را بشناسند. اگر این تفاوت‌ها در بین افراد بشر نبود، دادوستدها شکل نمی‌گرفت و دنیا ویران می‌شد و نقل کردن حدیث و گفتار ممکن نبود. پس کسی پادشاه بیش‌تر و منزلتی رفیع‌تر نزد خداوند دارد که بیش‌تر از همه از نافرمانی خداوند بپرهیزد و از فرمان الهی اطاعت کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۷/۹).

و- **تحقق عدالت با قضاوت اسلامی:** قوی‌ترین، محکم‌ترین و متقن‌ترین ملاک برای قضاوت در جامعه، مربوط به احکام، ارزش‌ها و معیارهای اسلامی است. اگر به این موضوع اعتقاد داریم، پس نباید در مقابل جنجال مخالفان که نقاط مثبت جامعه اسلامی را مورد انتقاد قرار می‌دهند، منفعل بمانیم و متأثر شویم.

نه فرهنگ غربی، روش قضاوت اسلامی را قبول دارد و موازین قضایی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را می‌فهمد و نه ما شیوه قضایی آنان را می‌پذیریم « **وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ / وَلَا أَنَا عَابِدُ مَا عَبَدْتُمْ** » (کافرون، ۳).

در مجموعه اسلامی، قاضی در لباس قضاوت، فقط هیبت خاص خود را دارد، وگرنه او نیز مسلمانی مانند بقیه مسلمانان است، روی خاک می‌نشیند، با مردم برادرانه رفتار می‌کند و آداب خاصی برای خود در نظر نمی‌گیرد. ولی در دنیا برای قاضی، شکل و آداب دیگری وجود دارد. سپس آیت‌الله خامنه‌ای نتیجه‌ای را از سخنانشان بیان می‌کند: ما نباید در دنیا منفعل باشیم. به ملاک و معیارهای قضایی اسلام افتخار می‌کنیم و براساس آن حرکت و عمل می‌نمائیم. معتقدیم تحقق عدالت در جامعه، از طریق قضاوت اسلامی می‌تواند اجرا شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۴/۷).

۴. اهداف و آرمان‌های تحقق عدالت اجتماعی

الف- **عدل، نیاز اصلی حیات طیبه:** از آرمان‌های اجرا و تحقق عدالت در سطح اجتماع، تشکیل حیات طیبه و حکومت مهدوی است. آیت‌الله خامنه‌ای در اهمیت قوه قضائیه، با استناد به آیه کریمه «**وَ إِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ**» (نساء، ۵۸) به محوریت عدل اشاره می‌کند. زیرا عدالت، اساس کار حیات طیبه انسانی است. اساس کار امام عصر (عج) هم عدالت می‌باشد. آنجا که در توصیف زمان ظهور بعد از زیارت آل یاسین می‌فرماید: «**يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا**» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۲۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲/۵۱).

با اینکه آن بزرگوار تقوا، اخلاق و دین را هم به جامعه تزریق می‌کنند، اما گفته نمی‌شود: «**يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ دِينًا**»، بلکه می‌گویند: «**عَدْلًا**». این نشان‌دهنده نیاز اصلی حیات طیبه به عدل است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۴/۵).

اگر در حکومت داوری به عدل باشد، مسلماً عدالت اجتماعی برقرار می‌شود و هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و اهمیت این سخن بر کسی پوشیده نیست (قرشی‌بنایی، ۱۳۷۵: ۳۸۹/۲). از نظر فارابی، هدف و سعادت مردم، رسیدن به مدینه فاضله می‌باشد. این سعادت واقعی است، نه اعتباری. سعادت در سایه تأمین رفاه و زندگی طبیعی میسر می‌شود. رفاهی که اجتماعی باشد، نه رفاه فردی. برای تأمین این رفاه جمعی، به ریاست فاضله‌ای نیاز است که براساس عدالتی که از فضیلت و حکمت برخوردار باشد، حکومت کند.

در این مدینه فاضله است که مردم به سعادت و کمال افضل خود می‌رسند، به زندگی خود بدون جنگ و ستیز ادامه می‌دهند و هرکس به وظیفه خود عمل می‌نماید. هیچ‌کس به حقوق دیگری تجاوز نمی‌کند. تحت این نظام، همه افراد زیرمجموعه سالم می‌مانند و زندگی می‌کنند. همه تابع رهبر و فرمانده‌ای هستند که مقهور اراده عقل فعال و متصف به اخلاق حمیده است (فارابی، ۱۳۵۴: ۳۹).
ب- اجرای عدالت و تمدن‌سازی، برترین آرمان اسلام: از آرزوهای بزرگ، استقرار عدالت در جامعه، نفی تبعیض و همچنین نفی فاصله‌های طبقاتی است. قرآن کریم هدف اصلی انبیاء را برپایی قسط می‌داند «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). ما هم راه پیامبران را می‌رویم و قطعاً یکی از برترین آرمان و ارزشی که باید دنبال‌اش باشیم، عدالت است. البته اجرای عدالت کار سختی می‌باشد و لفاظی کفایت نمی‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۳/۷).

هدف انبیاء، برپایی عدالت، نظام‌سازی، تمدن‌سازی و حرکت بشر در محیط جامعه است. قیام به قسط و هر آنچه مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی می‌باشد، مقدمه آن عبودیت است که هدف خلقت می‌باشد «و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶). بالاترین کمالات، عبد خدا شدن است و در راه رسیدن به آن اهداف، انبیاء و ارسال رسل لازم است که از جمله آن‌ها عدالت می‌باشد. در آیات دیگر قرآن به سایر اهداف ارسال رسل اشاره شده که البته با یکدیگر قابل جمع است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۲/۲۷).

همان‌طور که مشاهده شد، جمع بین آیات از نتایج تفسیر قرآن به قرآن است و در شرح و تفسیر آیات اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله اهداف انبیاء عدالت می‌باشد و مقدمه آن عبودیت است که هدف خلقت می‌باشد.

ج- مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، هدف قیام امام حسین علیه‌السلام: استناد به سیره امام حسین علیه‌السلام در کلام آیت‌الله خامنه‌ای برای یافتن اهداف و آرمان عدالت‌طلبی بایسته است. فرو فرستادن کتب الهی و ارسال رسل برای اقامه قسط و عدل در جوامع بوده است تا نمادهای ظلم، فساد و زورگویی از میان برخیزد. حرکت امام حسین علیه‌السلام چنین حرکتی بود. امام فرمود:

«انما خرجت لطلب الإصلاح في امة جدِّي» (بحار الأنوار، علامه مجلسی: ۴۴ / ۳۲۹؛ المناقب، ابن شهر آشوب: ۴ / ۸۹). همچنین فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا ، مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ، فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخَلَهُ» (بحار الأنوار، علامه مجلسی: ۴۴ / ۳۸۱). یعنی اگر کسی کانون‌های ستمگری را ببیند و بی تفاوت باشد، در نزد خداوند با او هم‌سرنوشت است. قیام امام حسین علیه‌السلام برای تشکیل حکومت و سرکوبی قدرت‌های طاغوتی بود؛ چه با تشکیل حکومت و چه با رسیدن به درجه شهادت. دعوت مردم عراق از امام هم برای این بود که امام برود و حکومت تشکیل دهد. این چنین نیست که امام به فکر حکومت نبوده باشد.

امام می‌دانست که اگر حرکت نکند، این امضای او چه بلایی بر سر اسلام خواهد آورد. هنگامی که قدرتی با همه امکاناتی که در جوامع در اختیارش است، در راه طغیان پیش‌روی می‌کند، اگر افراد حق طلب مقابل آن اظهار وجود نکنند و جلوی آن را نگیرند، در واقع با این عمل، کار آن‌ها را امضاء و تأیید کرده‌اند و امام حسین علیه‌السلام این موضوع را بر نمی‌تافت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷).

د- برخورداری استعدادهاى مختلف، از اهداف تحقق عدالت: آیت‌الله خامنه‌ای وجود عدالت در جمهوری اسلامی را به معنای برخورداری شدن همه افراد جامعه از مزایای آن می‌داند و از آنجا که تلاش‌ها، همت‌ها، قوت و استعدادهاى افراد متفاوت است « وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ... وَلِلَّذِي خَلَقَهُمْ » (هود، ۱۱۸). بنابراین همه به‌طور یکسان بهره‌مند نمی‌شوند، ولی باید افراد به اندازه استعدادشان کار کنند، به‌قدر همت خود تلاش و به‌قدر قدرت‌شان به‌دست آورند. یعنی کسی محروم و مظلوم نماند، کسی سرکوب نشود، این هدف اصلی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۵/۱۲). ارسطو نیز از میان انواع عدالت، عدالت توزیعی را می‌پسندد. عدل را به برابری معنی نمی‌کند، بلکه عدل را «تناسب» می‌داند و بر این باور است که افراد در جامعه به اندازه دانایی و شایستگی خود باید از جایگاه حقوقی برخوردار باشند (عنایت، ۱۳۶۵: ۱۱۲-۱۱۱).

ه- پیشگیری از جرم: در واقع پیشگیری از جرم همان اجرای عدالت است «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۷۹). این آیه می‌گوید: اگر قصاص کردید، قتل واقع نمی‌شود. چنانچه عدالت به شکل دقیق انجام شود، در جامعه ظلم اتفاق نمی‌افتد و عدالت بسط پیدا می‌کند. پیشگیری از جرم به این معنا است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳) و سبب صیانت مردم از انتقام و تجاوز به یکدیگر می‌شود (مغنیه، ۱۴۰۰: ۲۷۷/۱).

۵. قدمت عدالت اجتماعی در دنیا

منظومه ارزشی اسلام که خلقیات فردی مانند: صبر، حلم و گذشت و... و مفاهیم عمومی و زندگی‌ساز مانند: آزادی، کرامت انسانی، سبک زندگی و عدالت اجتماعی و... را شامل می‌شود. قرآن کریم ۱۴۰۰ سال پیش، این مفاهیم را به‌طور روشن بیان کرده و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن عمل نموده است «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (شوری، ۱۵). این فرمان پیامبر به اجرای عدالت همه‌جانبه در اجتماع می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱/۳).

«وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» پیامبر نمی‌خواهد بر تمام میدان‌ها سیطره پیدا کند یا با ظلم و ستم دعوت‌اش را گسترش دهد، بلکه می‌فرماید: من عدل را برای همه مردم آورده‌ام. چه برای کسانی که من و رسالت‌ام را پذیرفتند و چه آن‌ها که نپذیرفتند. زیرا در مسأله عدالت، فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان، دوست و دشمن نیست و باید بین همه مردم عدالت اجرا شود. همچنین انبیاء مانند جباران نبودند که به مراکز قدرت دست یابند، بلکه از رُحماء عادلانی بودند که قدرت خود را در خط رسالت‌شان به حرکت درآوردند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۶۱/۲۰).

آیت‌الله خامنه‌ای سپس شبهه‌ای را مطرح کرده و پاسخ می‌دهد. بعضی افراد به اشتباه تصور نموده‌اند که این مفاهیم اجتماعی؛ آزادی و عدالت و... از غرب به دنیای اسلام وارد شده یا متفکران اسلامی آن را از غربی‌ها آموخته‌اند و این تصور، اشتباه است.

غربی‌ها که این مفاهیم را مطرح کرده‌اند، ولی هیچ وقت نتوانستند صادقانه بدان عمل کنند، نه به آزادی، نه به عدالت اجتماعی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱/۳).

از شاخص‌های دولت اسلامی، پیشرفت و عدالت است. پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را می‌دهد که در تمدن غرب شاهد آن هستیم. با آنکه قدرت، ثروت، علم و فناوری را به‌طور حداکثری دارند، اما عدالت قضایی ندارند و آنچه در فیلم‌ها نشان می‌دهند، کذب است و در غرب چنین عدالتی نیست. در زمینه عدالت اقتصادی نیز افرادی هستند که بر اثر گرسنگی، سرمای ده درجه و گرمای چهل درجه می‌میرند و علت آن نداشتن خانه و زندگی در گوشه‌ای از خیابان است و از طرفی ثروت‌های انبوه گروهی که امروز در غرب وجود دارد.

اسلام این بی‌عدالتی‌ها را نخواست است، بلکه امروز به پیشرفت نیاز می‌باشد. همان که در غرب با نام توسعه از آن یاد می‌شود. این پیشرفت حتماً باید همراه عدالت باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶).

فقط در مظاهر مادی نباید پیشرفت کرد، بلکه پیشرفت در تمام ابعاد وجودی انسان اعم از اخلاقی و معنوی باید شکل بگیرد و در درون‌اش آزادی و عدالت نیز وجود داشته باشد. این پیشرفت باید یک کار ادامه‌دار و مستمر باشد و ملت‌ها نباید دچار رکود و توقف شوند. اگر عقب‌گرد نمایند، استحکام

درونی و عزت ملی را حفظ نکنند و این نعمت الهی را کفران نمایند، مصداق این آیه شریفه می‌شوند « أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُؤَارِ. جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقُرْآنُ » (ابراهیم، ۲۹ و ۲۸). دوباره دوران ذلت و تلخی روزگار بر سر آنها سایه خواهد افکند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

نتیجه‌گیری

بعد از تحقیق درباره تحقق و اجرای عدالت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای این نتایج به دست آمد:

مفاهیم نظری

- عدل به‌عنوان یکی از پایه‌های ایمان، به حدّ وسط و میانه هر چیز گفته می‌شود، به‌گونه‌ای که هر چیز در جای خود قرار گیرد و دچار افراط و تفریط نگردد.
- خطّ اسلام، حدّ متوسط است، نه افراط و سخت‌گیری‌های کلیسایی را دارد و نه ولنگاری‌های جوامع غربی، بلکه دورکن اصلی دعوت به اسلام عدالت و صداقت است.
- پیش‌انگاره‌های تحقق عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، در سه عرصه به‌شرح ذیل تقسیم می‌شود:

شروط تحقق عدالت اجتماعی

- گاهی لازم است برای تحقق عدالت اجتماعی، همانند انبیاء وارد میدان جهاد شد و صرف سخنان حکمت‌آمیز و روشنفکری برای دفاع از مظلومان کفایت نمی‌کند.
- رعایت انصاف و عدالت حتی با دشمنان، از پیام‌های برگرفته از تفسیر قرآن است.
- ضامن عدالت، تقوا و خداترسی کارگزاران دستگاه‌های متنوع حکومتی است. فقط فراهم شدن زیرساخت‌های عدالت‌محوری کفایت نمی‌کند.
- استقرار عدالت جهانی نیاز به این دارد که همه‌ی بخش‌های دنیا را مردمان عادل، انسان‌های عدالت‌طلب، صالح و قدرتمند در دست بگیرند و با زبان قدرت و اقتدار با زورگویان صحبت کنند، نه زبان موعظه.

اهداف و آرمان‌های تحقق عدالت اجتماعی

- عدالت در جمهوری اسلامی به‌معنای برخوردار شدن همه افراد جامعه از مزایاست و از آنجا که تلاش‌ها، همّت‌ها، قوّت و استعداد‌های افراد متفاوت می‌باشد، همه به‌طور یکسان به‌رمنند نمی‌شوند، بلکه به اندازه همّت خود تلاش و به‌قدر قدرت‌شان به‌دست می‌آورند.

- پیشگیری از جرم همان اجرای عدالت است. چنانچه عدالت به شکل دقیق انجام شود، در جامعه ظلم اتفاق نمی‌افتد و عدالت بسط پیدا می‌کند. پیشگیری از جرم به این معنا می‌باشد.

- هدف از حیات اجتماعی، برپایی عدالت اجتماعی است. عدالت معنایش از قسط عام‌تر است و عدل در زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

- نیاز اصلی حیات طیبه و اساس کار حکومت مهدوی، عدالت است. اگر در حکومت دآوری به عدل باشد، مسلماً عدالت اجتماعی برقرار می‌شود و هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد.

- اجرای عدالت و نفی تبعیض و فاصله‌های طبقاتی، از آرمان‌های انبیاء بوده که مقدمه آن عبودیت است.

قدمت عدالت اجتماعی در دنیا

با اینکه بعضی افراد به اشتباه تصور کرده‌اند که این مفاهیم اجتماعی؛ آزادی و عدالت و... از غرب به دنیای اسلام وارد شده است یا متفکران اسلامی آن را از غربی‌ها آموخته‌اند، ولی این تصور، اشتباه است. ۱۴۰۰ سال قبل این مفاهیم در آیات قرآن به‌طور روشن بیان شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. وَ سئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ ، فَقَالَ (عليه السلام) : الْعَدْلُ يَصْنَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا .

ترجمه: از حضرت سؤال شد: کدام برتر است عدل یا جود آن حضرت فرمود: عدل امور را در جای خود قرار می‌دهد، و جود آنها را از جایگاه خود بیرون می‌برد. عدل حافظ عموم است، و جود سود بخش به عده‌ای خاص. پس عدالت شریفتر و برتر است

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار/۳۱: « وَ سئِلَ (عليه السلام) «عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ» .

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵)، عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه.
۴. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۵. امین، نصرت بیگم (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا.
۶. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی.
۷. بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین.
۹. حسین یوسف، موسی (۱۴۱۰)، الإفصاح فی فقه اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۰. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی.
۱۱. خطیبی کوشکک، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ شیعه (کلام)، قم: زمزم هدایت.
۱۲. خوانساری، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ اصطلاحات منطقی به انضمام واژه نامه فرانسه و انگلیسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۴. راولز، جان (۱۳۸۳)، عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶)، مقدمة الأدب، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۱۶. سجّادی، جعفر (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش.
۱۷. سجّادی، جعفر (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۸. شبر، عبدالله (۱۲۴۲)، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت: شركة مكتبة الالفین.
۱۹. الصباغ، محمد بن لطفی (۱۴۱۰)، لمحات فی علوم القرآن و اتجاهات التفسیر، بیروت: المکتب الاسلامی.
۲۰. صبحی صالح (۱۳۷۰)، فرهنگ نهج البلاغه، مترجم مصطفی رحیمی نیا، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران: ناصرخسرو.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۲۴. عجم، رفیق (۱۹۹۸)، موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمین، لبنان- بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.
۲۵. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الافاق الجدیدة.
۲۶. عنایت، حمید (۱۳۶۵)، بنیاد فلسفه سیاسی غرب از هراکلیت تا هابز، تهران: نشر دانشگاه تهران.

۲۷. محمد بن محمد غزالی (۱۴۱۲)، إحياء علوم الدين، بيروت: دار الهادي.
۲۸. فارابی ابونصر محمد بن محمد (۱۳۵۴)، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله آراء اهل المدینه الفاضله، ترجمه و شرح از جعفر سجادی، تهران شورای عالی فرهنگ و هنر مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.
۲۹. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، بیروت دار الملاک.
۳۰. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۳۱. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۴۰۹)، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. کرمی، محمد (۱۴۰۲)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: علمیه (چاپخانه).
۳۴. مجددی برکتی، محمد عمیم الاحسان (۲۰۰۹)، التعریفات الفقهیة، لبنان- بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۳۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار (ط- بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۶. مدنی، علی خان بن احمد (۱۳۸۴)، الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد مقدس: موسسه آل البيت عليهم السلام لاهیاء التراث.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۴۲۰)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: حکمت.
۳۸. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۸)، تفسیر قرآن مجید (برگرفته از آثار امام خمینی ره)، تهران: نشر عروج.
۴۱. ایازی، محمدعلی (۱۳۷۳)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت ارشاد.

سایت:

